

مطالعه تطبیقی نقش نهاد صیانت از قانون اساسی در فرانسه و کلمبیا در توسعه اساسی سازی حقوق محیط زیست

چکیده

به دنبال رشد توجه جامعه بین‌المللی نسبت به موضوع محیط زیست در دهه ۱۹۷۰ میلادی و وارد شدن آن به قانون اساسی، چگونگی عینیت بخشی به ظرفیت‌های محیط زیستی قوانین اساسی و تحقق اساسی سازی حقوق محیط زیست تبدیل به مسأله‌ای اساسی شد. از آنجاکه متولی اصلی تضمین اجرای قانون اساسی، نهادهای صیانت از قانون اساسی هستند، نقش این نهادها و نحوه عملکرد آنان در رابطه با توسعه اساسی سازی حقوق محیط زیست از اهمیت بسزایی برخوردار شد. چراکه، نحوه ایفای نقش این نهادها تا حدی می‌تواند نمایانگر میزان قابلیت برخورداری یک نظام حقوقی از ظرفیت‌های لازم جهت توسعه اساسی سازی حقوق محیط زیست تلقی شود. این پژوهش با رویکردی توصیفی-تحلیلی و حقوقی به دنبال بررسی چگونگی نقش آفرینی نهادهای صیانت از قانون اساسی کشورهای فرانسه و کلمبیا در عینیت بخشی به ظرفیت‌های محیط زیستی مندرج در قوانین اساسی و توسعه اساسی سازی حقوق محیط زیست در این دو کشور است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که علیرغم آنکه هر دو کشور از ظرفیت‌های محیط‌زیستی قابل قبولی در قوانین اساسی خود برخوردار هستند، با این وجود، به جهت نحوه عملکرد نهادهای صیانت از قانون اساسی، اساسی سازی حقوق محیط زیست در نظام حقوقی کلمبیا در مقایسه با نظام حقوقی فرانسه توسعه بیشتری یافته است. این امر نیز تا حدود زیادی ناشی از رویکرد سنتی اتخاذ شده توسط شورای قانون اساسی فرانسه در مقابل رویکرد نوین اتخاذ شده توسط دادگاه قانون اساسی کلمبیا است. در واقع، شورای قانون اساسی فرانسه رسالت خود را صرفاً در کنترل مطابقت قوانین و مقررات با مفاد محیط‌زیستی مندرج در منشور محیط‌زیست دانسته و همواره تلاش نموده نقشی کنترل‌گر را در راستای اساسی سازی حقوق محیط زیست در نظام حقوقی فرانسه ایفا نماید. در مقابل، دادگاه قانون اساسی کلمبیا همواره تلاش نموده ضمن حفظ نقشی کنترل‌گر، نقشی تسهیل‌کننده و توسعه‌دهنده را در روند اساسی سازی حقوق محیط زیست در نظام حقوقی کلمبیا ایفا نماید.

واژگان کلیدی: اساسی سازی حقوق محیط زیست، دادگاه قانون اساسی، شورای قانون اساسی، قانونگذار منفی

A Comparative Study of the Role of the Constitutional Guardian in France and Colombia in the Development of Constitutionalisation of Environmental Law

Abstract

Following the growing attention of the international community to environmental issue in the 1970s and its inclusion in the constitution, the practical realization of the environmental capacities of constitutions and realize the Constitutionalisation of the environmental law became a fundamental issue. Since the main custodians of ensuring the implementation of the constitution are the constitutional guardians, the role of these institutions and their performance in the development of the Constitutionalisation of the environmental law became of great importance. Because, the way these institutions operate can largely reflect the extent to which a legal system has the necessary capacities for the Constitutionalisation of the environmental law. This research adopts a descriptive-analytical and legal approach to examine the role of constitutional guardians in France and Colombia in realizing the environmental capacities constitutions, and in developing the Constitutionalisation of the environmental law in these two countries. this research indicate that despite both countries having acceptable environmental capacities in their constitutions, the constitutional guardian's performance in these two countries has led to a greater integration of environmental considerations into the legal system of Colombia compared to that of France. This is also largely due to the traditional approach taken by the Constitutional Council of France in contrast to the modern approach adopted by the Constitutional Court of Colombia. the French Constitutional Council considers its mission to be solely to control the compliance of laws and regulations with the environmental provisions contained in the Charter for the environment and has always tried to play a controlling role in order to Constitutionalisation of the environmental law in the French legal system. In contrast, the Colombian Constitutional Court has always tried to play a facilitating and developmental role in the process of Constitutionalisation of the environmental law in the Colombian legal system, while maintaining a controlling role.

Keywords: Constitutional Council, Constitutional Court, Constitutionalisation of the Environmental law, Negative Legislator

۱. مقدمه

با افزایش توجه جامعه بین‌المللی نسبت به مسئله محیط زیست در دهه ۱۹۷۰ میلادی، حق بر محیط زیست به شکل روزافزونی در قوانین اساسی بسیاری از کشورها به رسمیت شناخته شد و اصطلاحاً اساسی‌سازی شکلی حق‌های محیط‌زیستی را رقم زد (Weis, 2018: 837)، (مشهدی و حامدی، ۱۴۰۱: ۱۶۸)، (مشهدی، ۱۳۸۸: ۱۹۱) که ناظر بر گنجاندن اصل یا حقی پیرامون محیط زیست در قانون اساسی است (مشهدی، ۱۳۹۸: ۵۲). شناسایی این حق زمینه‌های اساسی‌سازی حقوق محیط زیست در کشورهای مختلف را فراهم کرد. اساسی‌سازی حقوق محیط زیست ناظر بر بازتاب و عینیت‌بخشی به هنجارها و قواعد محیط زیستی مندرج در قانون اساسی در سراسر یک نظام حقوقی است که از طریق انتشار متعدد این هنجارها در نظام مورد نظر صورت می‌گیرد. امری که در بلندمدت به تبدیل شدن هنجارهای محیط زیستی قانون اساسی به بنیان‌های حوزه حقوق محیط زیست به مثابه یکی از گرایش‌های علم حقوق منجر خواهد شد. این مهم نیز در سه مرحله به وقوع می‌پیوندد. مرحله نخست، مرحله ظرفیت‌سازی به معنای تعمیم و توسعه قلمروی این هنجارها و افزایش آنان از طریق تفسیر قانون اساسی و به رسمیت‌شناسی هنجارهای ضمنی از دیگر حق‌های مندرج در قانون اساسی است. مرحله دوم به انتشار متعدد این هنجارها در سراسر نظام حقوقی به ویژه از طریق کنترل مطابقت قوانین و مقررات با قانون اساسی، رسیدگی به دعاوی مبتنی بر قانون اساسی شهروندان و ایجاد یک رویه قضایی مبتنی بر قانون اساسی پیرامون محیط زیست اطلاق می‌شود و مرحله سوم تثبیت آن در سراسر یک نظام حقوقی به ویژه از طریق نهادینه‌سازی این هنجارها، لزوم تضمین اجرای آنان در رویه عملی و برخورداری آنان از قابلیت استناد و اجرای مستقیم در محاکم در باور بازیگران حقوقی حاضر در یک نظام حقوقی به ویژه قضات است که به طور معمول از طریق تفسیر قانون اساسی، رسیدگی به دعاوی مبتنی بر قانون اساسی شهروندان و ایجاد یک رویه قضایی مبتنی بر قانون اساسی پیرامون محیط زیست و تبعیت قضات محاکم از رویه شکل گرفته توسط نهاد صیانت از قانون اساسی صورت می‌پذیرد.

کشور فرانسه با تصویب منشور محیط زیست در سال ۲۰۰۴ و به رسمیت‌شناسی آن در سال ۲۰۰۵ به عنوان بخشی از قانون اساسی سال ۱۹۵۸ (Loi constitutionnelle n° 2005-205) و کشور کلمبیا با اختصاص بیش از چهل ماده قانون اساسی سال ۱۹۹۱ (اصلاحی سال ۲۰۱۵) به محیط زیست، به عنوان دو کشور سرآمد در حوزه قوانین اساسی سبز^۱ و در عین حال اساسی‌سازی حقوق محیط زیست به شمار می‌روند. با این حال، علیرغم برخورداری هر دو کشور از قوانین اساسی با ظرفیت‌های محیط زیستی غنی، آنچه که در عمل توانسته به توسعه اساسی‌سازی حقوق محیط زیست در این دو کشور کمک بیشتری نماید، استفاده موثر نهادهای صیانت از قانون اساسی از ظرفیت‌های محیط زیستی قانون اساسی و فعلیت‌بخشی به آنان در رویه عملی بوده است.^۲ این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی حقوقی به دنبال ارزیابی نحوه عملکرد نهادهای صیانت از قانون اساسی در کشورهای فرانسه و کلمبیا پیرامون چگونگی فعلیت‌بخشی به ظرفیت‌های محیط زیستی قانون اساسی در عمل است و اینکه چگونه نحوه عملکرد آنان، جایگاهشان در روند توسعه اساسی‌سازی حقوق محیط زیست در این دو کشور را متأثر ساخته است.

^۱ این اصطلاح به قوانین اساسی اشاره دارد که موضوع حفاظت از محیط زیست را به هر نحو اعم از درج یک اصل کلی، یک حق یا تعهدی بر عهده دولت و یا به هر شکل دیگری به رسمیت شناخته‌اند.

^۲ بدیهی است مولفه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حقوقی ممکن است روند اساسی‌سازی حقوق محیط زیست و نحوه توسعه آن در یک نظام حقوقی را متأثر سازد که مطالعه آنان مستلزم پژوهشی جداگانه است.

در رابطه با موضوع پژوهش در میان آثار فارسی و لاتین، پژوهش‌هایی نظیر «تحولات اخیر حق بر محیط زیست در حقوق اساسی فرانسه»^۳ «حق برخورداری از محیط زیست سالم در حقوق فرانسه»^۴ «اساسی‌سازی ماهوی حق بر محیط زیست در حقوق ایران و فرانسه»^۵ «نقش دادگاه‌های قانون اساسی در حفاظت از محیط زیست و حق بر محیط زیست سالم»^۶، «نقش دادگاه‌های قانون اساسی در تعیین محدوده حق بر محیط زیست: رویکرد تطبیقی»^۷ و «تفسیر مبتنی بر قانون اساسی و قضایی قوانین محیط زیستی در نیجریه، هند و کانادا»^۸ یافت شدند که دو مورد نخست به شکلی اختصاصی چگونگی شکل‌گیری اساسی‌سازی حق بر محیط زیست و تحولات آن در فرانسه را مورد بررسی قرار داده است. مورد سوم، به مقایسه حق بر محیط زیست در قوانین اساسی ایران و فرانسه پرداخته است. موارد چهارم و پنجم صرفاً به شکلی کلی و صرف‌نظر از نگاهی اختصاصی به کشوری خاص نگاشته شده‌اند و مورد آخر نیز به مسئله تفسیر قوانین محیط زیستی از سوی نهادهای صیانت از قانون اساسی در سه کشور نیجریه، هند و کانادا می‌پردازد. این در حالی است که، این پژوهش با مطالعه نقش نهادهای صیانت از قانون اساسی در دو کشور مترقی در حوزه اساسی‌سازی حقوق محیط زیست، از یک سو چگونگی نقش‌آفرینی نهادهای صیانت از قانون اساسی در راستای اساسی‌سازی حقوق محیط زیست را نشان می‌دهد و همچنین، چگونگی استفاده عملی این دسته از نهادها از ظرفیت‌های محیط زیستی قوانین اساسی و چگونگی فعلیت‌بخشی به آنان را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. بعلاوه، این پژوهش ضمن ارائه تقسیم‌بندی جدیدی از جایگاه نهادهای صیانت از قانون اساسی بر مبنای اتخاذ رویکردی مداخله‌گرا یا منفعل در حوزه اساسی‌سازی حقوق محیط زیست نشان خواهد داد که چگونه نهاد صیانت از قانون اساسی می‌تواند با اتخاذ رویکردی مداخله‌گرانه فراتر از نقش‌های سنتی نهادهای صیانت از قانون اساسی که بیش از هر چیز پیرامون کنترل اجرای قانون اساسی در یک نظام حقوقی شکل گرفته است، ظاهر شده و به نهادی که اصطلاحاً از آن تحت عنوان «قانونگذار منفی»^۹ یاد می‌شود، تبدیل شود.

در نهایت آنکه این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش است که نهادهای صیانت از قانون اساسی در فرانسه و کلمبیا چگونه با استفاده از ظرفیت‌های محیط زیستی قانون اساسی به توسعه روند اساسی‌سازی حقوق محیط زیست در این دو کشور کمک کرده‌اند؟ با این وجود پیش از هر چیز بایستی به این پرسش‌ها پاسخ داده شود که قوانین اساسی فرانسه و کلمبیا تا چه میزان از ظرفیت‌های محیط زیستی برخوردار هستند؟ چگونه نهادهای صیانت از قانون اساسی در کشورهای فرانسه و کلمبیا در رویه عملی به ظرفیت‌های محیط زیستی قانون اساسی فعلیت بخشیده‌اند؟ چگونه نقش‌آفرینی نهادهای صیانت از قانون اساسی می‌تواند، جایگاه آنان در روند توسعه اساسی‌سازی حقوق محیط زیست را متأثر سازد؟ مطالعات اولیه نشان داد که شورای قانون اساسی فرانسه همواره تلاش نموده با اجتناب از ایفای نقشی فعال در حوزه ظرفیت‌سازی و گسترش قلمروی هنجارهای محیط زیستی مندرج در قانون اساسی، صرفاً در مقام یک نهاد کنترل‌کننده نظام حقوقی در برابر قوانین و مقررات مغایر با اهداف محیط زیستی مندرج در قانون اساسی

^۳. مشهدی، علی (۱۳۸۸). تحولات اخیر حق بر محیط زیست در حقوق اساسی فرانسه. نشریه حقوق اساسی، ۶ (۱۱)، صص ۱۹۱-۲۰۴.

^۴. مشهدی، علی (۱۳۸۹). حق برخورداری از محیط زیست سالم در حقوق فرانسه. مجله پژوهش‌های حقوقی، ۹ (۱۸)، ۲۹۶-۲۷۷.

^۵. مشهدی، علی (۱۳۹۳). اساسی‌سازی ماهوی حق بر محیط زیست در حقوق ایران و فرانسه. فصلنامه مطالعات حقوق تطبیقی، ۵ (۲)، ۵۸۰-۵۵۹.

^۶. Kambovski, Vlado and Elena Mujoska (2022). the Role of Constitutional Courts in Environmental Protection and the Right to a Healthy Environment, Center for legal research and analysis, CPIA.

^۷. David, Carine (2013). The Role of Constitutional Courts in Determining the Scope of the Right to Environment: A Comparative Approach, IUCN Academy of environmental law annual Colloquium, Jun 2013, Hamilton, New Zealand.

^۸. Nyekwere, Empire Hechime et al. (2023). Constitutional and Judicial Interpretation of Environmental Laws in Nigeria, India and Canada, Lex Scientia Law Review, 7:2, 905-958.

^۹. Negative Legislator

ایفای نقش نماید. در مقابل، دادگاه قانون اساسی کلمبیا همواره تلاش نموده، با ایفای نقشی فعال و مداخله‌گر از طرق مختلفی نظیر گسترش قلمروی هنجارهای محیط زیستی مندرج در قانون اساسی از یک‌سو و مداخله‌گری در حوزه اختیارات قوای مقننه و مجریه از طریق ملزم نمودن آنان به تغییر سیاست‌های تقنینی و اجرایی، در مقام یک نهاد کنترل‌کننده، تسهیل‌گر و توسعه‌دهنده نقش‌آفرینی نماید.

این پژوهش، در چارچوب سه گفتار به پرسش‌های فوق پاسخ خواهد داد. در گفتار نخست، ظرفیت‌های محیط زیستی قوانین اساسی کشورهای فرانسه و کلمبیا مورد بررسی قرار می‌گیرد. در گفتار دوم، نحوه عملکرد شورای قانون اساسی فرانسه و دادگاه قانون اساسی کلمبیا پیرامون چگونگی استفاده از ظرفیت‌های محیط زیستی قانون اساسی جهت توسعه اساسی‌سازی حقوق محیط زیست مورد ارزیابی واقع خواهد شد. در گفتار سوم نیز چگونگی تأثیرگذاری نحوه عملکرد این نهادها بر جایگاهشان در روند توسعه اساسی‌سازی حقوق محیط زیست به شکلی اجمالی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۲. جایگاه محیط زیست در قوانین اساسی فرانسه و کلمبیا

در این گفتار به بررسی این مسأله پرداخته می‌شود که محیط زیست از چه جایگاهی در قوانین اساسی فرانسه و کلمبیا برخوردار است و ظرفیت‌های قوانین اساسی این دو کشور در حوزه محیط زیست چیست.

۲.۱. ظرفیت‌های قانون اساسی فرانسه در زمینه حفاظت از محیط زیست

به طور کلی حفاظت از محیط زیست در قانون اساسی سال ۱۹۵۸ فرانسه از یک‌سو به دلیل برخوردار نبودن این قانون از چارچوبی حمایتی برای حق‌های بشری و از سوی دیگر تصویب آن در برهه زمانی پیش از مطرح شدن محیط زیست در عرصه بین‌المللی، به مثابه حقی بشری مورد اشاره واقع نشده بود. با این وجود، از سال ۲۰۰۴ به بعد و به دنبال تصویب منشور محیط زیست و برخورداری از جایگاه قانون اساسی، اساسی‌سازی حقوق محیط زیست در نظام حقوقی فرانسه آغاز شد (گرجی ازندریانی، ۱۳۸۸: ۴۰۵)؛ (مشهدی، ۱۳۸۹: ۲۸۳)؛ (مشهدی، ۱۳۹۳: ۵۶۰). بزرگترین نوآوری منشور را باید در الزامات جدیدی دانست که بر پارلمان فرانسه در زمان قانونگذاری تحمیل می‌کند. مطابق با این الزامات، پارلمان صرفاً می‌تواند قوانینی را تصویب نماید که با مفاد منشور مطابقت داشته باشد. هدفی که تحقق آن از طریق نظارت پیشینی و پسینی از سوی شورای قانون اساسی و طرح دعوای مبتنی بر قانون اساسی از جانب شهروندان نزد این شورا اگرچه در شکلی غیرمستقیم تضمین شده است. این منشور متشکل از ده ماده است که طیفی از مفاد محیط زیستی نظیر حق بر محیط زیست، تکلیف به حفاظت از آن و دسترسی به اطلاعات را دربرمی‌گیرد. لذا، می‌توان با احتساب منشور محیط زیست، برای قانون اساسی فرانسه ظرفیت محیط زیستی قابل قبولی را متصور دانست. با این وجود، آنچه از اهمیت بسزایی برخوردار است، چگونگی استفاده نهاد صیانت از قانون اساسی از این ظرفیت‌ها در راستای توسعه اساسی‌سازی حقوق محیط زیست است که در بخش بعد مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۲.۲. ظرفیت‌های قانون اساسی کلمبیا در زمینه حفاظت از محیط زیست

در این بند، پس از اشاره‌ای اجمالی به پیشینه اساسی‌سازی شکلی حق بر محیط زیست در قانون اساسی کلمبیا، ظرفیت‌های نظام حقوقی کلمبیا جهت اساسی‌سازی حقوق محیط زیست بیان خواهد شد.

۲،۲،۱. پیشینه اساسی‌سازی شکلی حق بر محیط زیست در نظام حقوقی کلمبیا

در نظام حقوقی کلمبیا تا زمان تصویب قانون اساسی سال ۱۹۹۱، نه تنها حق بر محیط زیست به رسمیت شناخته نشده بود، بلکه مسئله محیط زیست چندان مورد توجه نبود و صرفاً محاکم با تکیه بر ساز و کار «دعوی جمعی» مندرج در قانون شماره ۴۷۲ مصوب سال ۱۹۸۸،^{۱۰} نقش بسزایی را در رابطه با حفاظت از محیط زیست ایفا نمودند. در مقابل، با تصویب قانون اساسی سال ۱۹۹۱، نظام حقوقی این کشور از یک سو با به رسمیت شناسایی مفهوم «حقوق محیط زیستی جمعی»،^{۱۱} ساز و کارهایی جهت تضمین آن‌ها^{۱۲} و در عین حال لزوم در نظر گرفتن اصل توسعه پایدار در سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی کشور^{۱۳} و همچنین شناسایی غیرمستقیم مسئولیت‌هایی در رابطه با حفاظت از محیط زیست در ماده ۹۵ قانون اساسی به شکل قابل توجهی متحول شد.

از سوی دیگر، تصویب این قانون به شکلی غیرمستقیم تدوین سیاست‌های محیط زیستی جدید، ایجاد انگیزه در میان مقامات و مشارکت فعال در کنفرانس ریو سال ۱۹۹۲ در زمینه محیط زیست را به همراه داشت. لازم به ذکر است تجارب آموزشی به دست آمده در جریان این مشارکت، نقش بسزایی در تدوین مفاد قانون شماره ۹۹ مصوب سال ۱۹۹۳ داشت. قانونی که تاکنون آثار قابل توجهی به ویژه در اصلاحات بنیادین سیاست‌ها، مقررات و نهادهای محیط زیستی کلمبیا به همراه داشته است (Uribe Botero, 2005:19,21) که جهت پیشگیری از اطاله کلام، از بیان آنان اجتناب می‌شود.

۲.۲.۲. ظرفیت‌های نظام حقوقی کلمبیا جهت اساسی‌سازی حقوق محیط زیست

قانون اساسی کنونی کشور کلمبیا مصوب سال ۱۹۹۱ با اصلاحات ۲۰۱۵ با اختصاص مجموعه‌ای گسترده از حق‌ها و اهداف محیط زیستی، به عنوان یک قانون اساسی محیط زیستی مترقی شناخته می‌شود (Constitutional Court of Colombia, 2018: para.3.1). در فصل سوم این قانون، ذیل عنوان «حق‌ها، تضامین و تکالیف»، حق‌های محیط زیستی و اکولوژیکی متعددی به رسمیت شناخته شده است. همچنین، با به رسمیت شناسایی «حق‌های تصریح نشده»^{۱۴} برای افراد در ماده ۹۴^{۱۵} و به موازات آن «اساسی‌سازی قواعد حقوق بین‌الملل»^{۱۶} زمینه‌های بسیار مناسبی برای ظرفیت‌سازی بر مبنای قانون اساسی در حوزه محیط زیست فراهم شده است.

بعلاوه، دادگاه قانون اساسی کلمبیا به عنوان نهاد صیانت از قانون اساسی در این کشور، همواره رویکرد فعالی را نسبت به توسعه رویه قضایی خود به عنوان ساز و کاری کنترلی بر توسعه لجام‌گسیخته به ویژه در غیاب دولتی قوی اتخاذ نموده است. نظیر رویکردی که در چارچوب مقاله‌نامه شماره ۱۶۹ سازمان بین‌المللی کار در راستای حمایت از حق بر آب اتخاذ نمود (Macpherson et al., 2020:528). همچنین بین سال ۲۰۰۲ و ۲۰۱۵ موضوع دکتترین رویه قضایی توسط دادگاه قانون اساسی مطرح شد. موضوعی که

¹⁰. Law 472 of 1988

¹¹. ماده ۷۹ قانون اساسی ۱۹۹۱

¹². مواد ۸۸-۸۶ قانون اساسی ۱۹۹۱

¹³. ماده ۸۰ قانون اساسی ۱۹۹۱

¹⁴. (Unenumerated Rights): این اصطلاح به آن دسته از حق‌هایی اشاره دارد که اگرچه صریحاً در قانون اساسی مورد اشاره قرار نگرفته‌اند، با این وجود، از دیگر حق‌های به رسمیت شناخته شده در قانون اساسی قابل استنباط هستند.

¹⁵. ماده ۹۴: «حق‌ها و تضامین مندرج در قانون اساسی و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی لازم‌الاجرا را نباید به مثابه نفی دیگر حق‌ها و تضامینی که صریحاً مورد اشاره قرار نگرفته‌اند و در عین حال بخشی جدایی‌ناپذیر از ذات بشر محسوب می‌شوند، تلقی کرد».

¹⁶. Constitutionalisation of International Laws

با هدف تضمین انسجام تصمیمات این دادگاه و نهادینه‌سازی اعتبار آنان در چارچوب نظام حقوقی در دهه ۱۹۹۰ میلادی آغاز شده بود و به دنبال آن مجموعه‌ای از معیارها نظیر تجدیدنظر در تصمیمات اتخاذی از سوی محاکم جهت حصول اطمینان از اعمال رویه و سابقه قضایی و دادخواهی مبتنی بر قانون اساسی در مواردی که قضات مغایر با سابقه و رویه قضایی موجود اقدام به اتخاذ تصمیم می‌کنند را در آراء متعددی تعیین شد (Vargas-Chaves et al., 2020:24). همچنین ماده ۲۲۶ قانون اساسی این تعهد را بر عهده دولت می‌گذارد که قواعد محیط زیستی را بین‌المللی‌سازی^{۱۷} نموده و رویه خاصی را برای تصویب و تأیید هنجارهای بین‌المللی ارائه نماید. متعاقباً دادگاه قانون اساسی در احکام اخیر برخی از هنجارهای محیط زیستی بین‌المللی را از جایگاهی مشابه قوانین عادی برخوردار بودند، امروزه دارای جایگاهی مبتنی بر قانون اساسی دانسته (Constitutional Court of Colombia, 2003:para.VI3) و بنابراین این هنجارها می‌توانند به عنوان مبنایی جهت نظارت مبتنی بر قانون اساسی مورد استفاده قرار گیرند (Gómez – Velásquez, 1999:15-16). در نهایت، لازم به ذکر است که در نظام حقوقی کلمبیا ساز و کارهای حقوقی مختلفی برای اجرای قانون اساسی و تضمین حق‌های محیط زیستی مندرج در آن پیش‌بینی شده است. یکی از این ساز و کارها «دعوی جمعی»^{۱۸} است. این اقدام ماهیتاً از جایگاه قانون اساسی برخوردار بوده و می‌تواند توسط هر شخصی و در چارچوب حمایت از حقوق و منافع جمعی از جمله حق بر محیط زیست سالم و در عین حال بدون لزوم احراز نفعی پیرامون موضوع مورد نظر مورد استفاده قرار گیرد. «دعوی مبتنی بر قانون اساسی»^{۲۰} که اصطلاحاً از آن تحت عنوان «Action of Tutela» یاد می‌شود و می‌تواند توسط هر شخصی جهت حفاظت از حق‌های مبتنی بر قانون اساسی خود مورد استناد واقع شود از دیگر ساز و کارهای پیش‌بینی شده است. «دعوی گروهی»^{۲۲} «دیگر ساز و کار حقوقی است که مشابه دعوی جمعی است. با این تفاوت که برخلاف دعوی عمومی که به دنبال پیشگیری از نقض یک حق عمومی است، دعوی گروهی به دنبال جبران خسارات ناشی از آسیب‌های وارده به گروهی از مردم مطرح می‌شود.

۳. نقش آفرینی نهادهای صیانت از قانون اساسی در توسعه اساسی‌سازی حقوق محیط زیست

در این گفتار عملکرد نهادهای صیانت از قانون اساسی فرانسه و کلمبیا در استفاده از ظرفیت‌های قوانین اساسی این دو کشور در حوزه محیط زیست و چگونگی توسعه اساسی‌سازی حقوق محیط زیست توسط آنان مورد بررسی واقع خواهد شد.

۳.۱. نقش شورای قانون اساسی در توسعه اساسی‌سازی حقوق محیط زیست در فرانسه

به طور کلی، می‌توان نقش شورای قانون اساسی در توسعه اساسی‌سازی حقوق محیط زیست در نظام حقوقی فرانسه را در دو دوره زمانی پیش از تصویب منشور محیط زیست سال ۲۰۰۵ و پس از تصویب آن ارزیابی نمود. در ادامه، به شکلی اجمالی به چگونگی نقش آفرینی شورای قانون اساسی در این دو دوره اشاره خواهد شد.

17. Internationalize

18. ماده ۸۸ قانون اساسی کلمبیا و ماده ۲ قانون شماره ۴۷۲ مصوب سال ۱۹۹۸ کلمبیا

19. Collective Actions (Popular Actions)

20. ماده ۸۶ قانون اساسی کلمبیا و ماده ۲ قانون شماره ۴۷۲ مصوب سال ۱۹۹۸ کلمبیا

21. Constitutional Actions

22. ماده ۸۸ قانون اساسی کلمبیا و ماده ۳ قانون شماره ۴۷۲ مصوب سال ۱۹۹۸ کلمبیا

23. Group Actions (Class Actions)

۱.۱.۳. نقش شورای قانون اساسی پیش از تصویب منشور محیط زیست

به طور کلی در پرونده‌هایی که از دهه ۱۹۷۰ میلادی تا پیش از تصویب منشور محیط زیست فرانسه پیرامون محیط زیست مطرح شده است، موارد بسیار اندکی را می‌توان یافت که محیط زیست مستقیماً به جهت آلودگی یا تخریب، موضوع دعوا قرار گرفته باشد. با این وجود، در چنین موارد اندکی نیز شورای قانون اساسی همواره سعی نموده که در چارچوب تضمین اجرای قوانین عادی پیرامون محیط زیست و اصل برابری مندرج در قانون اساسی در راستای تضمین برابری افراد در مقابل تحمل آثار و هزینه‌های محیط زیستی، مطابق با اهداف محیط زیستی رأی صادر نماید.^{۲۴}

شاید بتوان مستقیم‌ترین پرونده پیرامون موضوع محیط زیست را پرونده مرتبط با دعوی اقامه شده در ۲۰ دسامبر سال ۲۰۰۲ مبنی بر مغایرت برخی از مواد «قانون تأمین مالی سال ۲۰۰۳»^{۲۵} با قانون اساسی دانست. در این پرونده، شورای قانون اساسی ماده ۸۸ قانون مورد نظر را ضمن اذعان بر نقاط قوت آن که پخش‌کننده‌های محصولات تبلیغاتی و روزنامه‌های رایگان را متعهد به پرداخت هزینه جمع‌آوری زباله‌های تولید شده در طی این فرآیند و بازیافت آنان نموده بود، به دلیل مستثنا ساختن گروهی از افراد و محصولات چاپی که سهم بسزایی در افزایش تولید زباله و تخریب محیط زیست داشتند، ناقض اصل برابری مندرج در قانون اساسی به ویژه مقدمه و ماده ۱ آن به شمار آورده و مغایر با قانون اساسی اعلام نمود (Constitutional Council of France, 2002: para.55,57). رویکردی که مشابه آن در چارچوب بررسی مطابقت «قانون اصلاح قانون تأمین مالی سال ۲۰۰۳»^{۲۶} با قانون اساسی نیز، از سوی شورای قانون اساسی اتخاذ شد (Constitutional Council of France, 2003: para.6,10).

۲.۱.۳. نقش شورای قانون اساسی پس از تصویب منشور محیط زیست

پس از تصویب منشور محیط زیست در سال ۲۰۰۵، شورای قانون اساسی در موارد متعددی به این سند ارجاع نمود. این شورا به طور کلی در رویه خود به دو شیوه صریح و ضمنی به منشور محیط زیست استناد کرده است (Marrani, 2008:19). یکی از مصادیق بارز استناد صریح به منشور را می‌توان در تصمیم اتخاذی از جانب شورای قانون اساسی در پرونده «Decision of March 24, 2005» مشاهده کرد. شورا در این پرونده با لحاظ نمودن منشور به عنوان مبنایی جهت ارزیابی انطباق معاهده تدوین قانون اساسی برای اروپا با قانون اساسی، صراحتاً منشور محیط زیست را به عنوان بخشی از قانون اساسی و برخوردار از جایگاه قانون اساسی به رسمیت شناخت (Constitutional Council of France, 2005a, para.7). رویکردی که در چارچوب بررسی مطابقت «قانون مرتبط با ایجاد نظام ثبت بین‌المللی فرانسوی»^{۲۷} (Constitutional Council of France, 2005b, para.13,36,37,38)، «قانون برنامه تعیین سیاست‌های بخش انرژی»^{۲۸} با قانون اساسی (Constitutional Council of France, 2005c: para.23,25) و آرای «2006-543 DC» (Constitutional Council of France, 2006)، «2007-548»

^{۲۴}. برای نمونه:

Constitutional Council of) « Resolution supplementing Rule 86 of the Rules of Procedure of the National Assembly» Finance » (Constitutional Council of France, 2000: para.10) « Law relating to urban solidarity and renewal » (France, 1990: para.1 (Constitutional Council of France, 2001: para.38) « Act for 2002

^{۲۵}. Finance Act for 2003

^{۲۶}. Amending Finance Act for 2003

^{۲۷}. Law relating to the creation of the French international register

^{۲۸}. Program law setting out the guidelines for energy policy

(DC) (Constitutional Council of France,2007)، «(2011-116 QPC)» (Constitutional Council of France,2011a) و «(2022-991 QPC)» (Constitutional Council of France,2022) نیز اعمال شد. شورای قانون اساسی علاوه بر این استندهای صریح به منشور محیط زیست، در مواردی نظیر بررسی مطابقت «قانون فرودگاه‌ها»^{۲۹} (Constitutional Council of France,2005d) و «قانون تأمین مالی سال ۲۰۰۶»^{۳۰} با قانون اساسی (Constitutional Council of France,2005e:para.11-14) نیز به شکلی ضمنی نیز به این منشور استناد نموده است. رویکردی که بعدها به رویه غالب شورای قانون اساسی در استفاده از منشور محیط زیست نیز تبدیل شد.^{۳۱}

به طور کلی، شورای قانون اساسی فرانسه از دو نوع شیوه نظارتی جهت تضمین اجرای منشور محیط زیست استفاده می‌کند. نخست، نظارت پیشینی (رستمی و سهرابی، ۱۴۰۳: ۶۵) مطابق با ماده ۶۱ قانون اساسی و دوم نظارت پسینی مطابق با بند ۱ ماده ۶۱ قانون اساسی که به موجب اصلاحات سال ۲۰۰۸ به قانون اساسی سال ۱۹۵۸ فرانسه افزوده شد. در عین حال، اگرچه این اصلاح زمینه‌های طرح دعوی مبتنی بر قانون اساسی از سوی شهروندان را فراهم ساخت، با این وجود، به نظر می‌رسد قابلیت به وجود آمده محدود و صلاح‌حیدی باشد. چراکه مطابق بند نخست ماده ۶۱، در درجه نخست طرح دعوی مستقیم از جانب شهروندان نزد شورای قانون اساسی امکان‌پذیر نیست و بایستی لزوماً از طریق ارجاع از سوی مراجع مقرر شده در بند اخیر صورت بپذیرد. همچنین، مراجع مزبور نیز اجباری در ارجاع موضوع به شورای قانون اساسی نخواهند داشت و لذا امکان نادیده انگاشته شدن برخی از دعوی پیش از رسیدن به مرحله رسیدگی از جانب شورای قانون اساسی وجود دارد (Sohnle,2018:164). لذا، اجرای منشور در رابطه با نظارت پسینی به ویژه در مواردی که دیوان عالی کشور از شورای قانون اساسی درخواست می‌نماید تا در رابطه با نقض حق‌های مندرج در قانون اساسی که منشور محیط زیست نیز بخشی از آن محسوب می‌شود، اظهار نظر نماید، می‌تواند محدودتر شود. در این موارد از آنجا که بخش اعظم منشور محیط زیست از مفادی غیرحق‌محور تشکیل شده است و بیشتر به ارائه راهبردهای عمومی می‌پردازد، مبنای شورای قانون اساسی در استناد به این سند نیز محدود می‌شود (Sohnle,2018:169-170). چراکه، در این موارد شورا صرفاً مفادی از منشور محیط زیست را در نظر می‌گیرد که به طور خاص یک حق را شناسایی کرده باشد.^{۳۲} با این توضیح می‌توان گفت در عمل صرفاً مواد ۱ و ۷ منشور هستند که با توجه به برخورداری از رویکردی حق-محور می‌توانند در چارچوب نظارت پسینی مورد استناد واقع شوند.

۲.۳. نقش دادگاه قانون اساسی در توسعه اساسی‌سازی حقوق محیط زیست در کلمبیا

²⁹. Airports Act

³⁰. Finance Act for 2006

³¹. برای نمونه:

«Law relating to the town planning rules» (Constitutional Council of France,2006) «Act pertaining to the energy sector» applicable within the perimeter of the La Défense national interest operation and establishing a public establishment for the (Constitutional Council of France,2007) «management of the La Défense business district»

³². برای نمونه:

«Law no. 2011-835 aimed at prohibiting the» (Constitutional Council of France,2012b:para.10,13) «Environmental Code» Constitutional Council of France «exploration and exploitation of liquid or gaseous hydrocarbon mines by hydraulic fracturing (Constitutional Council of France,2014:para.6) «the Civil Code» (France,2013a:para.19)

دادگاه قانون اساسی کلمبیا از طرق مختلفی زمینه‌های توسعه اساسی‌سازی حقوق محیط زیست را در این کشور فراهم کرده است. این طرق عبارتند از به رسمیت‌شناسی طیف وسیعی از دعاوی مبتنی بر قانون اساسی، اتخاذ رویکردی بوم-محور و به رسمیت‌شناسی حقوق طبیعت، توانمندسازی بازیگران محلی و نیز مداخله در امور ماهیتاً سیاسی و زیر سوال بردن الگوی توسعه اتخاذی از سوی دولت. دعاوی مبتنی بر قانون اساسی و نقش آنان در توسعه اساسی‌سازی حقوق محیط زیست در نظام حقوقی کلمبیا به وضوح در پرونده‌های متعددی به رسمیت شناخته شده که در چارچوب بررسی طرق دیگر ذکر خواهد شد و لذا به شکلی مستقل مورد اشاره قرار نخواهند گرفت.

یکی دیگر از طرقی که دادگاه قانون اساسی دست به توسعه روند اساسی‌سازی حقوق محیط زیست در کلمبیا زده است، اتخاذ رویکردی بوم‌محور در رویه عملی است (Gómez-Betancur et al., 2022:769). منابع طبیعی یا اکوسیستم‌ها از سال ۲۰۱۶ و در چارچوب مجموعه‌ای از پرونده‌های مرتبط با قانون اساسی، توسط دادگاه قانون اساسی کلمبیا به عنوان صاحبان حق به رسمیت شناخته شدند. این موضع دادگاه قانون اساسی به مثابه یک رویه قضایی مبتنی بر قانون اساسی توسط دادگاه‌های کلمبیا نیز دنبال شد. تصمیمات اتخاذی دادگاه قانون اساسی در پرونده‌های «Tierra Digna v. The President;» (Center of Studies for Social Justice) و «José Rómulo Bastos Rugeles» (Constitutional Court of Colombia, 2016a) و «The Ministry of the Interior; and others» (Constitutional Court of Colombia, 2011) و نیز بررسی مطابقت قانون «Law 685 of 2001 and Decree 0934 of 2013» با قانون اساسی (Constitutional Court of Colombia, 2014) موید این رویکرد است. برای مثال، در پرونده «Center of Studies for Social Justice» (Constitutional Court of Colombia, 2016) دادگاه قانون اساسی با طرح یک نظریه قانون اساسی جدید پیرامون حق‌های زیست‌فرهنگی مبتنی بر وحدت میان طبیعت و گونه‌های انسانی (Bavikatte and Bennett, 2015:10-11) و ایجاد پیوندی عمیق میان حقوق فرهنگی جوامع بومی و حقوق آنان نسبت به منابع طبیعی (op.cit:532)، به رسمیت‌شناسی صلاحیت مردمان بومی به عنوان اداره‌کنندگان، ناظران و تصمیم‌گیرندگان امور مدیریت رودخانه (Macpherson, 2019:159-160)؛ (Coombe and Jefferson, 2021:201) و در عین حال ملزم نمودن دولت به انجام اقداماتی در رابطه با بحران رودخانه آتراتو، نقش بسزایی را در متحول نمودن رویه عملی دادگاه‌های کلمبیا ایفا نمود. به گونه‌ای که در آراء متعددی رودخانه‌ها و اکوسیستم‌های بسیاری در کلمبیا به عنوان صاحبان حق و برخوردار از حق بر حفاظت، حراست و احیاء به رسمیت شناخته شدند.^{۳۳} یکی دیگر از طرقی که دادگاه قانون اساسی کلمبیا در چارچوب آن به توسعه اساسی‌سازی حقوق محیط زیست پرداخت، توانمندسازی بازیگران محلی در مشورت عمومی در حوزه مسائل محیط زیستی است (Maya-Aguirre, 2018:155)؛ (Bagni, 2022:117) که در پرونده‌های مرتبط با بررسی مطابقت قانون «Statutory Bill No. 134/11» (Constitutional Court of Colombia, 2015) با قانون اساسی و همچنین پرونده‌های «The

^{۳۳}. آراء صادره در پرونده‌های زیر از جمله مصادیقی هستند که در آن‌ها منابع طبیعی به عنوان یکی از صاحبان حق به رسمیت‌شناخته شده است:

Constitutional Court of) «Centro de Estudios para la Justicia Social 'Tierra Digna' y otros v Presidente de la República y otros» (Colombia, 2016)
Constitutional) «Luz Marina Diaz y otros v Empresa de Servicios Públicos del Municipio de La Plata-Huila» (Court of Colombia, 2019)
Constitutional) «Juan Carlos Alvarado Rodriguez y otros v Ministerio de Medio Ambiente y otros» (Court of Colombia, 2018)

Marcos Gregorio Villera, « (Constitutional Court of Colombia, 2012) «Comfenalco Beach Fishermen's Association (Asopescomfe) Silvio Castaño Hoyos, Hermes Rafael Urzola de la Barrera, Yenis González Pacheco, Antonio Martínez Mestra, José de la Vega Statutory Bill » (Constitutional Court of Colombia, 2014) «Argumedo, Francisco Marzola Hoyos and Julio César Trujillo Silvera (Constitutional Court of Colombia, 2015) « 134 of 2011 Chamber and 227 of 2012 SENATE صورت پذیرفته است.

۴. مقایسه عملکرد شورای قانون اساسی فرانسه و دادگاه قانون اساسی کلمبیا در توسعه اساسی - سازی حقوق محیط زیست

با مقایسه نحوه عملکرد شورای قانون اساسی فرانسه و دادگاه قانون اساسی کلمبیا پیرامون توسعه اساسی سازی حقوق محیط زیست می توان متوجه شد که نظام حقوقی فرانسه با تصویب منشور محیط زیست در سال ۲۰۰۵، از ظرفیت های محیط زیستی غنی در چارچوب قانون اساسی برخوردار شد و متعاقباً شورای قانون اساسی در پرونده های متعددی امکان نقش آفرینی در راستای توسعه و انتشار هنجارهای محیط زیستی قانون اساسی در سراسر نظام حقوقی فرانسه را یافت. با این حال، نخست به دلیل اتخاذ رویکردی محافظه کارانه در رابطه با استناد صریح به منشور محیط زیست و متعاقباً توسعه اساسی سازی حقوق محیط زیست به موازات ارجاعات ضمنی متعدد به منشور محیط زیست، تا حدودی موجب شده منشور محیط زیست پس از گذشت حدود بیست سال از زمان تصویب، همچنان در سطح یک سند تشریفاتی باقی بماند و نتواند بطور مطلوبی به توسعه هنجارهای محیط زیستی قانون اساسی در نظام حقوقی فرانسه منجر شود. این امر به وضوح در رویه شورای قانون اساسی قابل مشاهده است.^{۳۴}

به نظر می رسد، این امر نیز تا حدودی ناشی از رویکرد کنترل گر حاکم بر شورای قانون اساسی فرانسه باشد (محسنی، ۱۳۹۹: ۱۶۰) که همواره رسالت خود را صرفاً در کنترل مطابقت قوانین و مقررات با مفاد محیط زیستی مندرج در منشور محیط زیست می داند. دومین عاملی که می تواند اتخاذ چنین رویکردی از جانب شورای قانون اساسی را توجیه نماید، چگونگی طرح دعاوی مبتنی بر قانون اساسی از سوی شهروندان است. از یک سو، شهروندان به صورت مستقیم نمی توانند نزد شورای قانون اساسی طرح دعوا نمایند. از سوی دیگر، طرح این دعاوی باید از طریق مراجع اختصاصی و انحصاری صورت پذیرد و ارجاع این دعاوی از سوی مراجع مزبور نیز امری صلاح دینی است. موانعی که ظرفیت های بالقوه دادخواهی مبتنی بر قانون اساسی شهروندان در توسعه اساسی سازی حقوق محیط زیست را با محدودیت های زیادی مواجه نموده است. بدین ترتیب، به نظر می رسد که مراجع مزبور نیز می توانند نقش بسزایی را در تسهیل به ثمر نشستن دعاوی مبتنی بر قانون اساسی شهروندان در حوزه محیط زیست ایفا نمایند.

در نقطه مقابل، پیشبرد اساسی سازی حقوق محیط زیست در نظام حقوقی کلمبیا را باید تا حدود زیادی ناشی از اتخاذ رویکرد فعال و مداخله گرانه از سوی دادگاه قانون اساسی کلمبیا و استفاده حداکثری این دادگاه از ظرفیت های محیط زیستی قانون اساسی کلمبیا

^{۳۴}. برای نمونه:

« 2005-218 of 9 March 2005 » و « 2005-237 of 17 March 2005 » (Constitutional Council of France, 2005a: para.7). « the Forestry » (Constitutional Council of France, 2011b) « Code «the Criminal Code» و «the Defence Code» و «the Code of Criminal Procedure»

(Constitutional Council of France, 2011c)

دانست. در واقع، دادگاه قانون اساسی نه تنها در چارچوب ایفای نقش‌های سنتی، تضمین مطابقت هنجارهای لازم‌الاجرا در نظم حقوقی کلمبیا با قانون اساسی را کنترل کرده، بلکه همچنین در مواردی در صورت لزوم الگوی توسعه کلمبیا در زمینه بهره‌برداری از منابع طبیعی را نیز به چالش کشیده است.

در واقع، این مداخله‌گری را به طور خاص می‌توان در طریق دیگری که دادگاه قانون اساسی کلمبیا به توسعه روند اساسی‌سازی حقوق محیط زیست پرداخته است، به وضوح مشاهده نمود که همانا مداخله در امور ماهیتاً سیاسی و زیر سوال بردن الگوی توسعه اتخاذ شده توسط دولت است (Maya-Aguirre, 2018:144). برای مثال، دادگاه در پرونده رودخانه آتراتو و در ضمن به رسمیت شناسی حقوق قانونی برای رودخانه، مجموعه‌ای جامع از احکام شکلی را همراه با ساز و کارهای نظارتی جهت پیگیری اجرای آن‌ها برای نهادهای متولی سیاستگذاری در حوزه حفاظت از حقوق رودخانه مقرر نمود (Wesche, 2021:540). این رویکرد در تصمیمات متعددی منعکس شده است.^{۳۵} برای مثال، دادگاه قانون اساسی در راستای رسالتی که برای خود متصور بود، با ورود به پرونده‌های متعددی نقش بسزایی در راستای حفاظت از محیط زیست و اهداف محیط زیستی مندرج در قانون اساسی در برابر برنامه ملی توسعه سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۴ که حاوی مفادی مغایر با اهداف محیط زیستی بودند و در مرحله اجرا به تخریب و آلودگی محیط زیست منجر شدند، ایفا کرد. تصمیم اتخاذی دادگاه در بررسی مطابقت قوانین «Law 1450 of 2011, Law 1753 of 2015» با قانون اساسی (Constitutional Court of Colombia, 2016c) از جمله مصادیق این نقش‌آفرینی به شمار می‌رود. در این پرونده، دادگاه قانون اساسی، بخشی از قانون شماره ۱۷۵۳ مصوب سال ۲۰۱۵ را به جهت تجویز صدور مجوز استخراج مواد معدنی، نفت و گاز در منطقه پاراموس که از جمله مناطق برخوردار از اهمیت اکولوژیکی بالا به شمار می‌رفت را ابطال کرد (Constitutional Court of Colombia, 2016c: para. 142).

این مقایسه به وضوح موید تحولاتی در نحوه نقش‌آفرینی نهادهای صیانت از قانون اساسی در حوزه اساسی‌سازی حقوق محیط زیست است. تحولاتی که به نظر می‌رسد تقسیم‌بندی جدیدی در رابطه با نهادهای صیانت از قانون اساسی و چگونگی عملکرد آنان پیرامون توسعه اساسی‌سازی حقوق محیط زیست را ایجاد می‌نماید. بر اساس تقسیم‌بندی جدید می‌توان نهادهای صیانت از قانون اساسی را بر مبنای نحوه عملکردشان پیرامون توسعه اساسی‌سازی حقوق محیط زیست به دو دسته تقسیم نمود. نهادهای صیانت از قانون اساسی کنترل‌گر و غیرمداخله‌گر که اغلب در چارچوب نقش‌های سنتی یک نهاد صیانت از قانون اساسی عمل می‌کنند، مانند آنچه در رویه شورای قانون اساسی نیز مشاهده شد. در مقابل، نهادهای صیانت از قانون اساسی مداخله‌گر که همواره تلاش می‌کنند به شکلی تدریجی از جایگاه یک نهاد کنترل‌گر و نیز قضایی فرارفته و به شکلی غیرمستقیم به مداخله در حوزه اختیارات قوای مقننه و مجریه پردازند.

به طور معمول از این دسته نهادها اصطلاحاً تحت عنوان «قانونگذار منفی» یاد می‌شود (Scheppele, 2006:1769). نهادهای اخیر برخلاف نهادهای نخست، ضمن حفظ جایگاه نهادی خود، از دیدگاه خود نسبت به قانون اساسی در برابر دیگر قوا نیز محافظت

^{۳۵}. برای نمونه:

«Law 1753 of 2015» (Constitutional Court of Colombia, 2016d) «Law 1021 of 2006» (Constitutional Court of) (Colombia, 2008: para. c and d) و «Liliana Mónica Flores Arcila» (Constitutional Court of Colombia, 2016e)

می‌کنند. به این معنا که نه تنها در مقام یک نهاد کنترل‌گر به ایفای نقش می‌پردازند، بلکه همچنین تلاش می‌کنند با نادیده انگاشتن نگرش قوای مقننه و مجریه نسبت به قانون اساسی که در چارچوب تصویب قوانین و مقررات و اتخاذ تصمیمات اجرایی پدیدار می‌شود، دیدگاه اختصاصی خود نسبت به قانون اساسی را پیاده نمایند (Brown and Waller, 2016: 835). این نهادها این هدف را با استفاده از ساز و کارهای مختلفی در جریان نظارت مبتنی بر قانون اساسی نظیر ایجاد هنجارهای جدید در چارچوب تفسیر قانون اساسی (رفیعی و سعادت‌ی چشمقان، ۱۴۰۳: ۱۰۴) و تصمیم‌گیری در پرونده‌های مختلف و لذا قانونگذاری به شکلی منفی و غیرمستقیم و همچنین تدوین برنامه‌هایی با ماهیت سیاسی پیرامون حفاظت از محیط زیست و ملزم نمودن دولت به اجرای آنان و در عین حال پیش‌بینی ساز و کارهایی جهت نظارت بر اجرای آنان تحقق می‌بخشند. نهادهای صیانت از قانون اساسی مداخله‌گر از این طریق، از یک سو بر رسالت خود مبنی بر تضمین اجرای قانون اساسی جامه عمل می‌پوشانند و از سوی دیگر نگرش خود نسبت به مفاد قانون اساسی را در رویه قوای مقننه و مجریه نهادینه‌سازی می‌کنند. این امر را می‌توان به طور خاص در رویکرد بوم‌محور دادگاه قانون اساسی کلمبیا مشاهده نمود.

به همین جهت می‌توان گفت، اکولوژیک یا سبز بودن قانون اساسی کلمبیا صرفاً به خاطر درج موادی راجع به محیط زیست در این قانون نیست، بلکه این قانون تلاش کرده است تا پیوندی پایدار میان محیط زیست و امور اقتصادی و اجتماعی مانند بهینه‌سازی مصرف و کاهش پسماند هم ایجاد کند (Rodríguez, 2022: 30) و دادگاه قانون اساسی کلمبیا نیز نقش بسزایی را در تحقق این هدف ایفا نموده است. رویکردی که در رویه برخی دیگر از نهادهای صیانت از قانون اساسی نظیر دیوان عالی هند (Singh, 2019: 13) و دیوان عالی کانادا (Nyekwere, 2023: 931) نیز قابل مشاهده است.^{۳۶} همچنین اگرچه در وهله نخست ممکن است این تصور ایجاد شود که نهاد صیانت از قانون اساسی با اتخاذ چنین رویکردی در عمل متعرض حوزه اقتدار قوای مقننه و مجریه خواهد شد، با این وجود لازم به توضیح است که مداخله نهادهای صیانت از قانون اساسی همواره با تکیه بر ظرفیت مردمی صورت می‌پذیرد. بدین ترتیب، این دسته از نهادها با استفاده از ظرفیت حمایت مردمی، قوای مقننه و مجریه را نسبت به پیروی از نگرش خود نسبت به قانون اساسی ملزم می‌کنند. بنابراین ضمن ضرورت بررسی و تبیین بیشتر این موضوع به ویژه چگونگی تبدیل یک نهاد صیانت از قانون اساسی به یک قانونگذار منفی و نحوه تعامل آن با دیگر قوای حکومتی، باید به این پرسش نیز پاسخ داده شود که چه عواملی موجب می‌شود که یک نهاد صیانت از قانون اساسی از رویکردی کنترل‌گر و غیرمداخله‌گر پیروی نماید و نهاد دیگر صیانت از قانون اساسی از رویکردی مداخله‌گر پیروی نماید و حتی در مواردی در مقام یک قانونگذار منفی ایفای نقش نماید؟ پرسشی که ضروری است در پژوهش دیگری مورد بررسی قرار گیرد.

نتیجه‌گیری

^{۳۶}. در رابطه با هند برای نمونه:

Sachidanand Pandey vs. State of West « (Supreme Court of India, 1986) « M.C. Mehta & Anr. Etc vs Union Of India & Ors » (Supreme Court of India) « Indian Council for Enviro-Legal Action v. Union of India » (Supreme Court of India, 1987) «Bengal

در رابطه با کانادا برای نمونه:

Canadian Wildlife « (Supreme Court of Canada, 1992) «Friends of the Oldman River Society v. Canada (Minister of Transport) » «Lockridge et al. v. Ontario» (Supreme Court of Canada, 1981) «Federation, Inc. v Canada (Minister of the Environment) (Supreme Court of Canada, 2012)

با فراهم شدن زمینه‌های شکل‌گیری اساسی‌سازی حقوق محیط زیست و به رسمیت‌شناسی موضوع محیط زیست در قوانین اساسی بسیاری از کشورها در دهه‌های اخیر، نقش نهادهای صیانت از قانون اساسی به عنوان یکی از بازیگران اصلی در عینیت‌بخشی به ظرفیت‌های محیط زیستی مزبور در رویه عملی به شکلی خاص مورد توجه واقع شد. این پژوهش با مقایسه ظرفیت‌های محیط زیستی مندرج در قوانین اساسی فرانسه و کلمبیا و عملکرد شورای قانون اساسی فرانسه و دادگاه قانون اساسی کلمبیا به عنوان نهادهای صیانت از قانون اساسی در این دو کشور تلاش نمود تا ضمن تبیین چگونگی ایفای نقش نهادهای صیانت از قانون اساسی در راستای توسعه اساسی‌سازی حقوق محیط زیست و بسترسازی جهت بهره‌برداری حداکثری از ظرفیت‌های محیط زیستی مندرج در قانون اساسی، شکل‌گیری تحولی در جایگاه نهادهای صیانت از قانون اساسی در یک نظام حقوقی در راستای توسعه اساسی‌سازی حقوق محیط زیست را نشان دهد. چنانکه در این پژوهش نشان داده شد اگرچه نظام حقوقی فرانسه و کلمبیا از ظرفیت‌های محیط زیستی قابل قبولی در چارچوب قوانین اساسی خود برخوردار هستند، با این وجود، به نظر می‌رسد دادگاه قانون اساسی کلمبیا به جهت اتخاذ رویکردی فعال‌تر و مداخله‌گرانه‌تر، توانسته اساسی‌سازی حقوق محیط زیست در نظام حقوقی کلمبیا را به شکل گسترده‌تری در مقایسه با نظام حقوقی فرانسه توسعه ببخشد. در واقع، در حالیکه شورای قانون اساسی فرانسه به عنوان نهاد صیانت از قانون اساسی در این کشور همواره تلاش نموده نقشی کنترل‌گر را در راستای اساسی‌سازی حقوق محیط زیست در نظام حقوقی فرانسه ایفا نماید، دادگاه قانون اساسی کلمبیا به عنوان نهاد صیانت از قانون اساسی در این کشور همواره تلاش نموده ضمن حفظ نقشی کنترل‌گر، نقشی تسهیل‌کننده و توسعه‌دهنده را در روند اساسی‌سازی حقوق محیط زیست در نظام حقوقی کلمبیا ایفا نماید. تا آنجا که در رویه عملی خود بعضاً از جایگاه یک نهاد صیانت از قانون اساسی سنتی و کنترل‌گر فراتر رفته و به نهادی که از آن اصطلاحاً تحت عنوان «قانونگذار منفی» یاد می‌شود، تبدیل شده است. امری که در عمل موجب شده است روندی به مراتب گسترده از توسعه اساسی‌سازی حقوق محیط زیست را در نظام حقوقی کلمبیا در مقایسه با نظام حقوقی فرانسه شاهد باشیم.

در پایان بایستی بر این نکته اذعان داشت که تحقق اساسی‌سازی حقوق محیط زیست در یک نظام حقوقی بیش از ظرفیت‌های مندرج در قانون اساسی، مشروط به نحوه عملکرد نهادهای صیانت از قانون اساسی به عنوان عالی‌ترین نهاد حافظ قانون اساسی در هر کشور است. این پژوهش نشان داد که نحوه عملکرد نهادهای صیانت از قانون اساسی می‌تواند به گونه‌ای متفاوت باشد که جایگاه آنان در یک نظام حقوقی را نیز متأثر سازد. امری که به وضوح در رابطه با دادگاه قانون اساسی کلمبیا نیز مشاهده شد. در واقع، ممکن است یک نهاد صیانت از قانون اساسی جایگاه خود را صرفاً محدود به یک نهاد کنترل‌کننده نظام حقوقی جهت تضمین مطابقت قوانین و مقررات و تصمیمات جاری و لازم‌الاجرا در یک نظام حقوقی با قانون اساسی بدانند. رویه‌ای که از نهادهای صیانت از قانون اساسی سنتی در اوایل پیدایش و شکل‌گیری آنان انتظار می‌رفت. این در حالی است که نحوه عملکرد نهادهای صیانت از قانون اساسی در برخی از کشورها نشان از تحولاتی در جایگاه نهاد صیانت از قانون اساسی در یک نظام حقوقی دارد. نهادهای متأثر از این تحولات که به جهت ابطال قوانین و مقررات و هنجارسازی بر مبنای قانون اساسی از آنان به قانونگذاران منفی نیز تعبیر می‌شود همواره تلاش می‌کنند ضمن ایفای نقش‌های سنتی یک نهاد صیانت از قانون اساسی با نادیده انگاشتن دیدگاه‌های قوای مقننه و مجریه نسبت به قانون اساسی و جایگزین نمودن نگرش‌های خود پیرامون مفاد قانون اساسی در یک نظام حقوقی، جایگاهی فراتر از یک نهاد صرفاً کنترل‌گر به دست آورند. رویکردی که یقیناً می‌تواند از یک سو با ملزم نمودن قوای مختلف حکومتی نسبت

به اجرای تعهداتی که بر اساس قانون اساسی بر عهده دارند و آنان را تاکنون نادیده انگاشته‌اند و از سوی دیگر با مشارکت شهروندان از طریق بسترسازی جهت طرح مستقیم دعاوی مبتنی بر قانون اساسی، به شکل قابل توجهی به توسعه روند اساسی‌سازی حقوق محیط زیست در یک نظام حقوقی بیانجامد.

منابع

الف) کتب

۱. مشهدی، علی (۱۳۹۸). *حقوق اساسی محیط زیست (مطالعه تطبیقی)*. تهران: انتشارات شهردانش، چاپ اول، ۲۴۸ص.

ب) مقالات

۱. رستمی، ولی و سهرابی، حامد. (۱۴۰۳). بررسی اصول حاکم بر نظام بودجه‌ریزی در ایران و فرانسه. فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی، ۲۲(۷)، ۵۷-۹۹. [doi: 10.22034/law.2024.2015999.1276](https://doi.org/10.22034/law.2024.2015999.1276)

۲. رفیعی، محمدرضا و سعادت‌ی چشمقان، امیرحسین. (۱۴۰۳). ابزارهای تفسیر در برخی آرای وحدت رویه دیوان عالی کشور، در پرتو آموزه‌هایی از نظام حقوقی آمریکا. فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی، ۲۲(۷)، ۱۰۰-۱۳۰. [doi: 10.22034/law.2024.2019933.1286](https://doi.org/10.22034/law.2024.2019933.1286)

۳. گرجی ازندریانی، علی‌اکبر (۱۳۸۸). تکثر و تنوع هنجاری در حقوق اساسی فرانسه. *مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی*، ۱۲(۵۰)، ۳۲۴-۳۴۸.

۴. محسنی، حسن. (۱۳۹۹). شدت «زیان زیست محیطی» قابل مطالبه در حقوق فرانسه و چالش‌های مفهوم «آلودگی محیط زیست» در حقوق ایران. فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی، ۳(۶)، ۱۵۵-۱۸۳. [doi: 10.22034/law.2021.525562.1055](https://doi.org/10.22034/law.2021.525562.1055)

۵. مشهدی، علی (۱۳۸۸). تحولات اخیر حق بر محیط‌زیست در حقوق اساسی فرانسه. *نشریه حقوق اساسی*، ۶(۱۱)، صص ۱۹۱-۲۰۴.

۶. مشهدی، علی (۱۳۸۹). حق برخورداری از محیط‌زیست سالم در حقوق فرانسه. *مجله پژوهش‌های حقوقی*، ۹(۱۸)، ۲۷۷-۲۹۶.

۷. مشهدی، علی (۱۳۹۳). اساسی‌سازی ماهوی حق بر محیط زیست در حقوق ایران و فرانسه. *فصلنامه مطالعات حقوق تطبیقی*، ۵(۲)، ۵۵۹-۵۸۰.

۸. مشهدی، علی و ریحانه حامدی (۱۴۰۱). سبز شدن حقوق بشر: تأملی بر شکل‌گیری و تحول «حقوق بشر زیست محیطی». *پژوهشنامه حقوق تطبیقی*، ۷(۲)، ۱۵۹-۱۷۵.

A) Books

1. Macpherson, E. (2019). *indigenous Water Rights in Law and Regulation: Lessons from Comparative Experience*. Cambridge: Cambridge University Press.
2. Mashhadi, Ali (2018). *Fundamental Rights of the Environment*. Tehran: Shahradanesh Legal Research Publications. [In Persian]
3. Maya-Aguirre, Ana Lucía. Implementing Environmental Constitutionalism in Colombia. 143-158 in Daly, Erin and James R. May (2018). *Implementing Environmental Constitutionalism: Current Global Challenges*. Cambridge: Cambridge University Press.
4. Rodríguez, Gloria Amparo (2022). *Fundamentos del derecho ambiental colombiano*. Bogotá: Friedrich-Ebert-Stiftung (Fescol).

5. Sohnle, Jochen H.. Judicial Implementation of Environmental Constitutionalism in France. 159-179 in Daly, Erin and James R. May (2018). *Implementing Environmental Constitutionalism*, Cambridge: Cambridge University Press.

B)Articles

1. Bagni, S. (2022). The rights of nature in Colombian and Indian case-law (A. Ariza, trad.). *Revista Análisis Jurídico-Político*. 4(7). 99-124.
2. Bavikatte, K. & T. Bennett (2015). 'Community Stewardship: The Foundation of Biocultural Rights'. *Journal of Human Rights and Environment*. 6(1). 7–29.
3. Brown, Nathan J. and Julian G. Waller (2016). Constitutional courts and political uncertainty: Constitutional ruptures and the rule of judges. *International Journal of Constitutional Law*. 14(4). 817–850.
4. Coombe, Rosemary J. and David J Jefferson (2021). Posthuman rights struggles and environmentalisms from below in the political ontologies of Ecuador and Colombia. *Journal of Human Rights and the Environment*. 12(2). 177–204.
5. Gómez-Betancur, Luisa, Vilardy Q., Sandra P. and David Torres R. (2022). Ecosystem Services as a Promising Paradigm to Protect Environmental Rights of Indigenous Peoples in Latin America: the Constitutional Court Landmark Decision to Protect Arroyo Bruno in Colombia. *Environmental Management*. 69(4). 768–780.
6. Gómez – Velásquez, Alejandro (2016). The “constitutionalization” process of the international environmental law in Colombia. *Revista de Derecho*. No.45. 1-31.
7. Gorji Azandaryani, Ali-Akbar (2009). Normative proliferation and diversity in French constitutional law (sources for monitoring parliamentary approvals). *Legal Research Quarterly*. 12(50). 373-420. [In Persian]
8. Macpherson, Elizabeth, Ventura, Julia Torres and Felipe Clavijo Ospina (2020). Constitutional Law, Ecosystems, and Indigenous Peoples in Colombia: Biocultural Rights and Legal Subjects. *Transnational Environmental Law*. 9(3). 521–540.
9. Marrani, David (2008). The Second Anniversary of the Constitutionalisation of the French Charter for the Environment Constitutional and Environmental Implications. *Environmental Law Review*. 10(1). 19-27.
10. Mashhadi, A. (2009). Recent developments in the right to the environment in French constitutional law. *Journal of Basic Rights*. 6(11). 191-204. [In Persian]
11. Mashhadi, A. (2010). Right to Healthy Environment in French Legal System. *Journal of Legal Research*. 9(18). 277-296. [In Persian]
12. Mashhadi, A. (2014). Substantive Constitutionalization of Right to Environment in Iranian & French Law. *Comparative Law Review*. 5(2). 559-580. [In Persian]
13. Mashhadi, A. and Reyhaneh Hamedí (2023). Human Rights and the Environment: a Reflection on the Formation and Evolution of "Environmental Human Rights" in International Law. *Journal of Comparative Law*. 7(2). 150-175. DOI: 10.22080/lps.2023.24652.1443 [In Persian]
14. Mohseni, H. (2020). The Intensity of litigable “Environmental damage” in French Law and the Challenges of “Environmental pollution” in the Iranian Legal System. *Journal of Research and Development in Comparative Law*, 3(6), 155-183. [doi: 10.22034/law.2021.525562.1055](https://doi.org/10.22034/law.2021.525562.1055). [In Persian]
15. Nyekwere, Empire Hechime et al. (2023). Constitutional and Judicial Interpretation of Environmental Laws in Nigeria, India and Canada. *Lex Scientia Law Review*. 7(2). 905-958.
16. Rafeei, M. R. and saadati Cheshmehghan, A. H. (2024). Tools of Interpretation in Certain Binding Precedent Decisions Rendered by the Supreme Court, in the Light of Teachings of the American Legal System. *Journal of Research and Development in Comparative Law*, 7(22), 100-130. [doi: 10.22034/law.2024.2019933.1286](https://doi.org/10.22034/law.2024.2019933.1286). [In Persian]
17. rostami, V. and Sohrabi, H. (2024). A Review of Principles Governing the budgeting system in Iran and France. *Journal of Research and Development in Comparative Law*, 7(22), 57-99. [doi: 10.22034/law.2024.2015999.1276](https://doi.org/10.22034/law.2024.2015999.1276). [In Persian]
18. Scheppele, Kim Lane (2006). Guardian of the Constitution: Constitutional Court Presidents and the Struggle for the Rule of Law in Post-Soviet Europe. *University of Pennsylvania Law Review*. 154(6). 1757-1851.

19. Singh, Sukhwinder (2019). Sentry Approach of Judiciary for the Protection of Environmental Pollution in India: a Bird's Eye View. *Dehradun Law Review*.11(1). 13-21.

20. Vargas-Chaves, Iván, Rodríguez, Gloria Amparo, Cumbe-Figueroa, Alexandra and Sandra-Estefanía Mora-Garzón (2020). Recognizing the Rights of Nature in Colombia: the Atrato River case. *Revista Jurídicas*. 17 (1). 13-41.

21. Weis, Lael K. (2018). Environmental Constitutionalism: Aspiration or Transformation?. *International Journal of Constitutional Law*.16(3). 836–870.

22. Wesche, Philipp (2021). Rights of Nature in Practice: A Case Study on the Impacts of the Colombian Atrato River Decision. *Journal of Environmental Law*. 33(3). 531–556.

C) Documents

1. Colombia's Constitution of 1991 with Amendments through 2015.

2. France's constitution of 1958 with Amendments through 2008.

3. Loi constitutionnelle n° 2005-205 du 1er mars 2005 relative à la Charte de l'environnement (JORF n°0051 du 2 mars 2005).

E) Cases

1. Constitutional Council of France (1990). Resolution supplementing Rule 86 of the Rules of Procedure of the National Assembly, Decision 90-276 DC - 05 July 1990.

2. Constitutional Council of France (2000). Law relating to urban solidarity and renewal, Decision 2000-436 DC - December 7, 2000.

3. Constitutional Council of France (2001). Finance Act for 2002, Decision 2001-456 DC - December 27, 2001.

4. Constitutional Council of France (2002). Finance Act for 2003, Decision 2002-464 DC - December 27, 2002.

5. Constitutional Council of France (2003). Amending Finance Act for 2003, Decision 2003-488 DC - December 29, 2003.

6. Constitutional Council of France (2005a). Decision of March 24, 2005 on requests submitted by Mr. Stéphane Hauchemaille and by Mr. Alain Meyet, Decision No. 2005-31 REF of March 24, 2005.

7. Constitutional Council of France (2005b). Law relating to the creation of the French international register, Decision No. 2005-514 DC of April 28, 2005.

8. Constitutional Council of France (2005c). Program law setting out the guidelines for energy policy, Decision No. 2005-516 DC of July 7, 2005.

9. Constitutional Council of France (2005d). Airports Act, Decision No. 2005-513 DC of April 14, 2005.

10. Constitutional Council of France (2005e). Finance Act for 2006, Decision No. 2005-530 DC of December 29, 2005.

11. Constitutional Council of France (2006). Act pertaining to the energy sector, Decision no. 2006-543 DC of 30 November 2006.

12. Constitutional Council of France (2007). Law relating to the town planning rules applicable within the perimeter of the La Défense national interest operation and establishing a public establishment for the management of the La Défense business district, Decision No. 2007-548 DC of February 22, 2007.

13. Constitutional Council of France (2011a). Mr Michel Z. and another [Neighborhood nuisance and environment], Decision no. 2011-116 QPC of 8 April 2011.

14. Constitutional Council of France (2011b). Mr Pierre T. [Administrative right of way and development for the purpose of fire prevention], Decision no. 2011-182 QPC of 14 October 2011.

15. Constitutional Council of France (2011c). Mrs Ekaterina B., spouse of D., and others [Defence secrets], Decision no. 2011-192 QPC of 10 November 2011.

16. Constitutional Council of France (2012a). Association France Nature Environnement [Draft rules and technical requirements applicable to classified environmental protection installations subject to a requirement for authorisation], Decision no. 2012-262 QPC of 13 July 2012.
17. Constitutional Council of France (2012b). Mr. Antoine de M. [Classification and declassification of sites], Decision No. 2012-283 QPC of November 23, 2012.
18. Constitutional Council of France (2013). Schuepbach Energy LLC [Prohibition of hydraulic fracking in relation to the exploration and exploitation of hydrocarbons - revocation of licences to prospect], Decision no. 2013-346 QPC of 11 October 2013.
19. Constitutional Council of France (2014). Mr Ahmed S. [Revocation of citizenship], Decision no. 2014-439 QPC of 23 January 2015.
20. Constitutional Council of France (2022). France Nature Environnement Association and others [Exemption for certain water mills from obligations aimed at ensuring the ecological continuity of watercourses], Decision No. 2022-991 QPC of May 13, 2022.
21. Constitutional Court of Colombia (2003). Law 734 of 2002, C-067/03.
22. Constitutional Court of Colombia (2008). Law 1021 of 2006. C-030/08.
23. Constitutional Court of Colombia (2011). José Rómulo Bastos Rugeles v. ICA, C-623/2011.
24. Constitutional Court of Colombia (2012). The Comfenalco Beach Fishermen's Association (Asopescomfe) v. the Cartagena Special Tourist District, the Vía al Mar Consortium, the National Concessions Institute INCO, the General Maritime Directorate (DIMAR) and the then Ministry of Environment, Housing and Territorial Development (currently, the Ministry of Environment and Sustainable Development (MADS)), T-348/ 2012.
25. Constitutional Court of Colombia (2014). Marcos Gregorio Villera, Silvio Castaño Hoyos, Hermes Rafael Urzola de la Barrera, Yenis González Pacheco, Antonio Martínez Mestra, José de la Vega Argumedo, Francisco Marzola Hoyos and Julio César Trujillo Silvera v. the Regional Autonomous Corporation of the Sinú and San Jorge Valleys CVS, Public Services Company CORASEO, Ministry of the Interior, Directorate of Prior Consultation and Directorate of Indigenous, ROM and Minority Affairs., T-294/ 2014.
26. Constitutional Court of Colombia (2015). Statutory Bill 134 of 2011 Chamber and 227 of 2012 SENATE, C-150/ 2015.
27. Constitutional Court of Colombia (2016a). Center of Studies for Social Justice “Tierra Digna v. The President; The Ministry of the Interior; and others, T-622/16.
28. Constitutional Court of Colombia (2016b). Law 685 of 2001, C-389/16.
29. Constitutional Court of Colombia (2016c). Law 1450 of 2011, Law 1753 of 2015, C-035/2016.
30. Constitutional Court of Colombia (2016d). Law 1753 of 2015, C-298/2016.
31. Constitutional Court of Colombia (2016e). Liliana Mónica Flores Arcila v. the Administrative Court of Quindío, T-445/2016.
32. Constitutional Court of Colombia (2018). Law 1844 of 2017, C-048/18.
33. Supreme Court of Colombia (2016). Juan Luis Castro Córdoba and Diego Hernán David Ochoa v. Ministry of Environment and Sustainable Development, EPM, Hydroelectric Ituango S.A. E.S.P. and others, 05001 31 03 004 2019 00071 01.

D) Reports

1. Uribe Botero, Eduardo (2005). The Evolution of Colombian Environmental Institutions: 1971– 2004. University of the Andes. The Faculty of Economics. The Center for Studies on Economic Development (CEDE). Available in: <http://hdl.handle.net/1992/7907>. 1-91.